



میر عبدالواحد سادات

بزرگان و سابقه داران موسیقی در خواری و بیچاره گی :

در مورد جایگاه هنرموسیقی زیاد شنیده ایم و میدانیم که از افلاطون و ارسطو و تا هیگل و شوپنهاور در مورد سخن گفته اند و دوستدار آن بوده ، و همه بر « تاثیر عمیق موسیقی بر روح انسان » تاکید و انرا « غذای روح » و « زبان روح » خوانده اند .

در سرزمین ما ، موسیقی از دوره آریانا و ملیودی های اوستا ، تا ابو نصر فارابی و ابن سینا که در کتاب « قانون » از « درمان موسیقی » صحبت و تجربه نموده و فرهنگ سالاران و شعرای بزرگ که از رودکی ، تا فرخی سیستانی و ناصر خسرو بلخی و ... امیر علی شیر نوایی و خوشحال خان خٔک و حضرت مولانا که عرفان و تصوف ان با موسیقی گره خورده و انرا « بیان عشق » گفته است :

این علم موسیقی بر من چون شهادت است
چون مومنم شهادت و ایمانم ارزوست

البته موسیقی و اهل هنر در دربار و دولتها ، قبل از اسلام و بعد از ان ، دوره های ، غزنویان و سلجوقیان و ... تا رباب نوازی عبدالرحمن خان و حشر و نشر پسرانش حبیب اله خان و نصراله خان با موسیقی و شاگردی شاه امان اله نزد استاد قاسم افغان و دوستی بینظیر ایندو با هم و علاقه اخرین پادشاه افغانستان به موسیقی و ورود شان به اسرار این هنر که ، حتی کمپوزها ساخته است .

اما در عمل ، صادقانه باید اعتراف نماییم :

در حالیکه همه ما مرهون اهل موسیقی و هنرمندان خود هستیم ، مدیون آنان و شاهدان زنده تراژیدی هنر و اربابان موسیقی نیز می باشیم .

در دو دهه اخیر ، صحبت از سرازیر شدن صد ها ملیارد دالر در افغانستان می شود و کم نیستند هنر ستیزان و دشمنان موسیقی که اکنون به برکت این پول های باد آورده ، زندگی « قارونی » و فرعونی پیدا نموده و بر زمین و زمان فخر می فروشند و ملیارد ها دالر بخاطر محافظت از آنان و خرچ دسترخوان شان میگردد .

در حالیکه در همین مدت جنازه شهنشاہ غزل خوانی کشور استاد رحیم بخش فقید ، بکمک دوستداران هنر او و هزار و یک مشکل بکابل منتقل و مسؤلان پرسیان مریضی هنرمند بی بدیل « امانی » و دهها دیگر را در مجموع کشور نمی نمایند و استاد گدا محمد هروی دوتار نواز معروف در عدم توجه مقامات جاودانه گردید :

زمانه بی هنری می خرد ، زمان هنر نیست
گناه رفته ببخشا و فارغ از هنرم کن

دیروز گذارش عیادت برنامه ساز ارجمند ، آقای ضمیر کابلی را از هنرمند بی بدیل ، استاد سلام لوگری فرزند و شاگرد ممتاز بنیادگذار مکتب موسیقی کلبوالی لوگری در یوتوپ دیدم . در حالیکه از ابتکار شخصی جوان با احساس باید قدردانی نماییم ، دیدن خانه فقیرانه و کلوخی استاد در یکی از قریه های دور افتاده ولایت لوگر و احوال مریضی و ناگوار او ، سخت زجر دهنده است :



استاد سلام لوگری



استاد امانی

تا زدم لاف هنر خواجه به هیچم نخرید
بی هنر شو که هنر هاست ، درین بی هنری

در قانون اساسی کشور و در فقره اول ماده (۴۷) ان مسجل است که :

« دولت برای پیشرفت علم ، فرهنگ ، ادب و هنر پروگرام های موثر طرح می نماید » و همچنان « قانون حمایت حقوق مولف ، مصنف ، هنرمند و محقق » نافذ است که که ، در فقره اخیر ماده (۵۳) ان ، از تضمین دولت برای حقوق متقاعدین این عرصه ها ، حکم مینماید ، که متاسفانه در عمل به تاق نسیان سپرده شده و دولت به مکلفیت های خود عمل نکرده است .

حمایت و مواظبت از اهل موسیقی ، هنرمندان و بویژه بزرگان و استادان این هنر والا ، رسالت انسانی ، مدنی و یک وجیبه ملی است .

بدینرو :

بسیار ضرور است ، تا پاسداران هنر و قدرشناسان حق و حقوق هنرمندان ، صدای شانرا بخاطر قدر شناسی از هنرمندان مستمند و استادان بزرگ موسیقی کشور بلند نمایند .

چه خوب است که انستیتوت موسیقی افغانستان و رییس بزرگوار و غمخوار هنر و هنرمندان ، جناب دوکتور سرمست ، اتحادیه های هنرمندان در امریکا و اروپا جناب علم و جناب دژم در اشتراک مساعی ، راه های عملی کمک رسانی به این حقداران ما ، زمینه های عملی واری ازین بزرگان و خادمان صادق وطن را مطرح فرمایند . اگر گوش شنوایی در وزارت اطلاعات و کلتور که مسؤلیت مستقیم درین عرصه را عهده دار است ، باید متوجه وجایب قانونی و ملی شان گردند .

با حرمت